

بِنامِ خدا

# موضوع :

زیر ساختی و مربوط به اصل بحران جمعیت

مدرس : فوزیه نوری

آذر ۱۴۰۲

## فهرست:

- ۱ -مقدمه
- ۲ -زیرساختی بحران جمعیت
- ۳ -بررسی روند جمعیت ایران
- ۴ -عوامل موثر بر رشد جمعیت
- ۵ -عوامل موثر بر بحران جمعیت
- ۶ -وضع اقتصادی و اجتماعی
- ۷ -عوامل مستقیم بر رشد جمعیت
- ۸ -قانون حمایت از خانواده
- ۹ -وظایف ستاد ملی جمعیت
- ۱۰ -نقش یارانه در حمایت از خانواده
- ۱۱ -حمایت از مادران باردار شاغل

## مقدمه

هدف از این نوشتار همراهی با نظریات متخصصین و مدیران محترم در زمینه سیاست های افزایش جمعیت در مقیاس کشوری، تنها در صدد بررسی مقوله زیرساخت های شهری و ارتباط آن با افزایش جمعیت شهری در توسعه های آتی آن هستیم.

مسئله جمعیتی و نگرانی در خصوص کاهش نرخ باروری: از سال ۱۳۷۰ با نگرانی نسبت به رشد فزاینده جمعیت (دهه شصتی های معروف)، سیاست های کلان کشوری به سمت کاهش جمعیت سوق داده شد.

با نگرانی متخصصین در زمینه زمستان جمعیتی و کاهش نرخ باروری و... از سال ۱۳۹۱ سیاست های کلان کشور به سمت تشویق به افزایش جمعیت جهت گیری نمود، به گونه ای که در حال حاضر یکی از مهم ترین دغدغه های دولتمردان کاهش نرخ باروری و تشویق به فرزندآوری است.

از طرفی افزایش جمعیت مقوله ایست که متخصصین به زعم خود آن را بررسی کرده اند. متخصصین حوزه محیط زیست، آسیب به محیط زیست و کمبود منابع را تهدیدی برای جمعیت می دادند در کنار آن متخصصین اقتصاد و جمعیت شناسی و ... کاهش نرخ باروری را تهدید برای نسل بعد و نیروی انسانی کشور بر می شمارند.

رشد جمعیت شهری: طی چهل سال گذشته جمعیت کشور ایران دو برابر شده است، تعداد شهرها و جمعیت آن ها بیشتر شده و شهرهای بزرگ با ده ها مشکل روبرو هستند و به تدریج زندگی در آن ها بسیار دشوارتر شده است.

الزام به توسعه زیرساخت ها: زیرساخت ها به مجموعه ای از سیستم ها و فعالیت های شکل دهنده به جوامع و اقتصادهای مدرن از جمله؛ حمل و نقل، سوخت، تامین آب، فضای سبز، خدمات و ... نسبت داده می شود که بدون آن ها جوامع معاصر به ویژه جوامع شهری قادر به ادامه حیات نیستند. و پیگیری در راستای مرتفع نمودن و تسهیل در اجرای مطلوب قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت و بهره مندی مشمولان قانون مورد بحث قرار میگیرد.

## زیرساختی و مربوط به اصل بحران جمعیت:

در کنار افزایش فزاینده جمعیت شهری و هجوم به کلان شهرها و سرریز جمعیتی، توسعه کالبدی شهر و نیاز به زیرساخت ها و پاسخگویی به کمیت و کیفیت از دیرباز جمعیت و رشد آن از مباحث مهم جمعیتی بوده که همواره اذهان محافل جمعیتی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را به خود مشغول داشته و پیامدهای آن از جهات مختلف بررسی شده است. کشورها همواره در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی در پی چاره‌اندیشی و برنامه‌ریزی افزایش یا کاهش جمعیت و تأثیرات آن هستند. آگاهی از رشد جمعیت همراه با سایر متغیرهای اقتصادی - اجتماعی پایه و اساس هرگونه برنامه‌ریزی برای توسعه ملی است، چرا که پیش‌بینی نیازمندی‌های اولیه‌ی هر جامعه مبتنی بر آمارهای مربوط به رشد جمعیت است. می‌توان گفت از مهم‌ترین متغیرها که در برنامه‌ریزی به‌عنوان مبنای محاسبات در نظر گرفته می‌شود، جمعیت، دگرگونی آن در گذشته، حال و پیش‌بینی تحولات آن در آینده است.

با عنایت به اینکه اطلاعات اصلی جمعیت از سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن قابل استخراج است و سرشماری‌ها نیز در فواصل زمانی ۱۰ یا ۵ سال یک بار انجام می‌شود، برآورد جمعیت برای سال‌های آتی اهمیت و جایگاه ویژه‌ای پیدا می‌کند. به‌طور کلی در هر مطالعه و پژوهش شناسایی جامعه‌ی هدف و ابعاد گوناگون آن به‌عنوان گام نخست در تدوین، طراحی و برنامه‌ریزی‌های آینده از اهمیت به‌سزایی برخوردار است.

برای اتخاذ و انتخاب سیاست جمعیتی کشور که هماهنگ و سازگار با برنامه‌های توسعه پایدار کشور باشد، آگاهی از حجم جمعیت، توزیع سنی و جنسی آن و نیز میزان رشد سالیانه و چگونگی تغییرات آن ابزار مناسب شناخته شده‌ای هستند و هرچه دانش برنامه‌ریزان در ارتباط با جمعیت دقیق‌تر باشد، احتمال توفیق برنامه‌های توسعه افزایش می‌یابد.

در زمینه تامین زیرساخت های شهری، توجه به منابع از جمله آب، غذا، سوخت و ... در شهرها بحث مهمی در زمینه افزایش جمعیت است که بایست حداقل براساس سرانه های کمی اعم از تامین آب، راه، فضای سبز و ... مورد بررسی قرار گیرد. چنانچه در سیاست های کلان کشوری در زمینه افزایش جمعیت به زیرساخت های شهری در کلانشهرها توجه نشود با انفجار جمعیتی و کاهش جنبه های کمی و کیفی زیست مواجه خواهیم شد.

در نتیجه توجه به نیروی انسانی و رشد اقتصادی اگر وابسته به افزایش جمعیت است، با رشد جمعیت شهرنشین و مهاجرت از روستاها به شهرها، در حوزه تامین زیرساخت ها، سیاست افزایش جمعیت، نیاز به بررسی کلان و تخصصی و آینده نگر را حداقل در حوزه توسعه شهری می طلبد.

آزمون و خطا در این زمینه و نگاه جزنگر یا تک بعدی به مقوله کاهش و یا افزایش جمعیت بدون پیش بینی پیامدهای آن، منجر به تکرار سیکل معیوب چرخش ۳۶۰ درجه در سیاست های کلان کشوری در طول بیست سال- ۱۳۷۰ با سیاست کاهش جمعیت و ۱۳۹۰ با سیاست افزایش جمعیت- خواهد شد.

از دیرباز جمعیت و رشد آن از مباحث مهم جمعیتی بوده که همواره اذهان محافل جمعیتی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را به خود مشغول داشته و پیامدهای آن از جهات مختلف بررسی شده است. کشورها همواره در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی در پی چاره‌اندیشی و برنامه‌ریزی افزایش یا کاهش جمعیت و تأثیرات آن هستند. آگاهی از رشد جمعیت همراه با سایر متغیرهای اقتصادی - اجتماعی پایه و اساس هرگونه برنامه‌ریزی برای توسعه ملی است، چرا که پیش‌بینی نیازمندی‌های اولیه‌ی هر جامعه مبتنی

بر آمارهای مربوط به رشد جمعیت است. می‌توان گفت از مهم‌ترین متغیرها که در برنامه‌ریزی به‌عنوان مبنای محاسبات در نظر گرفته می‌شود، جمعیت، دگرگونی آن در گذشته، حال و پیش‌بینی تحولات آن در آینده است

### بررسی روند جمعیت ایران:

دسترسی به اطلاعات دقیق و معتبر درباره پیشینه تاریخی جمعیت ایران کاری بسیار مشکل و در مواردی غیر ممکن است. مطالعه‌ی اسناد و مدارک تاریخی نشان می‌دهد تا سال ۱۳۳۵ هجری شمسی (اولین سرشماری عمومی نفوس) اطلاع دقیقی از جمعیت ایران وجود ندارد، به همین دلیل بسیاری از محققان و پژوهشگران داخلی و خارجی، جمعیت گذشته ایران را با استفاده از نتایج سرشماری ۱۳۳۵ به بعد و سایر مدارک و اسناد تاریخی پیش‌نگری کرده‌اند. جمعیت ایران، در نخستین سرشماری (سال ۱۳۳۵) حدود ۱۹ میلیون نفر و در سرشماری سال ۱۳۹۵ (آخرین سرشماری) حدود ۸۰ میلیون نفر شمارش شد. بنا بر این از اولین تا آخرین سرشماری حدود ۶۱ میلیون نفر به جمعیت کشور اضافه شد. به عبارتی در مدت ۶۰ سال گذشته جمعیت ایران ۴/۲ برابر شده است. قسمت قابل ملاحظه از افزایش جمعیت در این دوره، مرهون رشد طبیعی جمعیت است.

در نیم‌قرن اخیر رشد جمعیت کشور با افت و خیزهایی روبه‌رو بوده است. رشد جمعیت ایران از نخستین سرشماری در سال ۱۳۳۵ تا شروع انقلاب اسلامی روندی کاهنده و پس از انقلاب اسلامی افزایش یافته به‌طوری که در دهه‌ی ۱۳۶۵-۱۳۵۵ یک‌باره به رشدی حدود ۴ درصد رسیده که در تاریخ کشور بی‌سابقه بود. البته در دهه ۱۳۶۵-۱۳۵۵ مهاجرین بسیاری وارد کشور شدند، اگر تأثیر مربوط به معاودین عراقی و به خصوص ورود پناهندگان افغانستانی به کشور را از رقم رشد سالانه ۴ درصد کسر شود میزان رشد طبیعی سالانه جمعیت به رقمی حدود ۳/۲ درصد می‌رسد که میزان رشد بالای جمعیت را نشان می‌دهد.

بعد از انتشار نتایج سرشماری ۱۳۶۵ و مشاهده‌ی رشد بالای جمعیت طی دهه‌ی ۱۳۶۵-۱۳۵۵ دولت متوجه سنگینی بار افزایش جمعیت و نگران تأمین نیازهای مختلف آن در سال‌های آتی شد و به فکر احیای سیاست قدیمی کنترل جمعیت افتاد (البته سیاست کنترل جمعیت برای اولین بار در دهه‌ی ۱۳۵۵-۱۳۴۵ به‌طور رسمی اجرا شده بود). دولت وقت در خرداد ماه ۱۳۶۷، سیاست تحدید مولید را اعلام نمود و متعاقب آن برنامه‌های تنظیم خانواده را به اجرا درآورد. در دهه‌های بعد سیاست‌های تنظیم خانواده به موفقیت چشمگیری دست یافت. سرعت کاهش باروری در نیمه دوم دهه ۱۳۶۰ و اوایل دهه ۱۳۷۰ به اندازه‌ای چشمگیر بود که تعبیر «انقلاب باروری» در مورد آن مصداق پیدا کرد.

به این ترتیب میزان کاهش تعداد موالید به همراه کاهش تعداد مرگ و میر و افزایش امید زندگی، متوسط رشد سالانه جمعیت کشور را، از ۳/۹ درصد در دهه ۱۳۶۵-۱۳۵۵، به ۱/۲۴ درصد در دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰ رسانید.

از جمله عوامل تأثیرگذار در کاهش رشد جمعیت در دو دهه اخیر افزایش سطح سواد و تحصیلات افراد به ویژه زنان، گسترش شهرنشینی، صنعتی شدن امور، افزایش هزینه‌های زندگی، تغییر نگرش و تمایل خانواده‌ها به ویژه زوج‌های جوان در کاهش تعداد فرزندان، افزایش سطح بهداشت، کاهش سطح مرگ و میر (به ویژه مرگ و میر نوزادان) و در نتیجه بالا رفتن امید زندگی هستند که همگی از رهگذر مراحل انتقال جمعیتی در ایران حاصل شده است.



### عوامل مؤثر بر رشد جمعیت:

جمعیت و رشد آن پدیده‌ای اجتماعی است و مانند سایر موضوعات اجتماعی تحت تأثیر عوامل پیچیده و متعدد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی قرار می‌گیرد. چنانچه جمعیت‌شناس به این موارد آگاهی و دانش بیشتری داشته باشد، فرضیات خود را با دلایل محکم‌تری می‌تواند بنا نماید. هر چند که دستیابی به همه موارد امکان‌پذیر نیست و در مواردی نیز اطلاعات و آمار و ارقامی وجود ندارد یا در دسترس محقق نیست. در این جا به تعدادی از عوامل غیر مستقیم که اطلاعات در مورد آن وجود دارد و می‌تواند در پیش‌بینی جمعیت و تدوین فرضیات کمک نماید اشاره می‌نماید.

الف- عوامل غیرمستقیم و واسطه‌ای

ب: الگوهای رفتاری ازدواج و زناشویی

سن ازدواج (ازدواج در سن پایین یا بالا) درصد افراد هرگز ازدواج نکرده، میزان تجرد قطعی و همچنین تعداد زنان بیوه یا مطلقه در افزایش یا کاهش میزان باروری مؤثر هستند. در واقع افزایش یا کاهش سن متوسط ازدواج موجب افزایش یا محدود شدن طول دوره‌ی باروری شده و به این ترتیب از طریق تأثیر بر شمار سال‌های در معرض فرزندآوری، بر باروری تأثیر می‌گذارد.

بررسی الگوی سنی ازدواج ایران، حکایت از افت و خیزهایی در طی نیم‌قرن اخیر دارد. بر اساس نتایج سرشماری‌ها میانگین سن در اولین ازدواج زنان از ۱۸/۴ سال در سال ۱۳۴۵ به ۲۳/۴ سال در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته و در سال ۱۳۹۵ اندکی کاهش یافته است. این شاخص در میان زنان از سال

۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰ همواره افزایشی بوده و برای نخستین بار در سال ۱۳۹۵ اندکی کاهش مشاهده شد. برای مردان این شاخص در سال ۱۳۴۵ از ۲۶/۵ به ۲۷/۴ سال در سال ۱۳۹۵ رسید. در مردان روند تغییرات میانگین سن در اولین ازدواج برعکس زنان از الگوی معینی پیروی نکرده است.

افزایش سن ازدواج و تنوع در شکل و ساختار خانوار و کاهش باروری تا سطح جانشینی از پیامدهای گذار دوم جمعیتی است. در اغلب مناطق جهان ازدواج به‌طور فزاینده‌ای افزایش یافته است و در این رهگذر ایران نیز از این وضع بی‌بهره نبوده است.

الگوی ازدواج و زناشویی، همگام با سایر تغییرات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جوامع، در گذر زمان، تحولات زیادی را تجربه نموده و اشکال و انواع مختلفی پیدا کرده است. گذار جوامع از مرحله سنتی به مرحله صنعتی و مدرن، منجر به تحولات شگرفی در زندگی اجتماعی بشر شد. از جمله آنها تحولات در وضع زناشویی افراد جامعه است که در دهه‌های اخیر در دنیا و در گذار دوم جمعیتی رخ داده است. این تغییرات شامل تحول در شکل و الگوی ازدواج، افزایش سن ازدواج و طولانی‌تر شدن دوره تجرد، شکل‌گیری انواع مختلف خانواده و تغییرات میزان‌های ازدواج و طلاق است.

هر چند که وضعیت زناشویی مستقیماً در تغییرات حجم و تعداد جمعیت اثر ندارد، اما ارتباط تنگاتنگی با وقایع مهم جمعیتی مانند باروری، مرگ و میر، مهاجرت و تحرک مکانی و نیز تحولات چرخه زندگی افراد دارد. از این رو توجه به تغییرات آن در برنامه‌ریزی‌های جمعیتی اهمیت می‌یابد.

نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ایران در سال ۱۳۹۵ نشان می‌دهد هنوز ۱۲ درصد جمعیت ۲۵ ساله و بیشتر ایران هرگز ازدواج نکرده‌اند. این نسبت برای مردان حدود ۱۴ درصد و برای زنان حدود ۱۰ درصد بوده است. در حالی که در دو دهه قبل یعنی در سال ۱۳۷۵ این نسبت برای هر دو جنس ۶/۳ درصد، برای زنان ۵ و برای مردان ۷/۵ درصد بوده است. همچنین آمار نشان می‌دهد در دوره‌ی زمانی ۲۰ ساله از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵ میزان تجرد قطعی برای هر دو جنس با افزایش همراه بوده و افزایش برای زنان به مراتب بیش از مردان بوده است. در هر دو منطقه شهری و روستایی نیز افزایش تجرد قطعی در میان زنان بر مردان پیشی گرفته است. نکته قابل توجه این که در سال ۱۳۹۵ تجرد قطعی زنان روستایی در مقایسه با تجرد قطعی زنان شهری فراتر رفته است.

## عوامل موثر در بحران جمعیت :

### تحصیلات و باروری

تأخیر در سن ازدواج در کشورهای توسعه‌یافته در کاهش باروری بی‌تأثیر نبوده است. این امر به‌ویژه تأثیر خود را از طریق تحصیلات زنان نشان می‌دهد به نظر میرسد تحصیلات زنان احتمالاً سن ازدواج آن‌ها را افزایش داده و حتی در بعضی از موارد ممکن است احتمال وقوع ازدواج را برای آن‌ها کاهش دهد. در هر دو حالت این وضع بر باروری تأثیر داشته و موجبات کاهش مولید را فراهم می‌آورد. تحصیلات با نگرش مثبت‌تر نسبت به آگاهی کنترل مولید بیش‌تر از جلوگیری از حاملگی و ارتباط بین زن و شوهر رابطه مثبت دارد. در تمامی جوامع آگاهی از کنترل مولید با سابقه یا اقامت شهرنشینی، تحصیلات بالاتر از حد متوسط و درآمد بیشتر از حد متوسط ارتباط مستقیم دارد. تحصیلات همچنین بر متغیرهای تبیینی دیگر نظیر نگرش‌ها نسبت به اندازه خانواده، هزینه‌ها و منافع فرزندان تأثیر قابل توجهی دارد. بررسی میزان باروری کل بر حسب سطح تحصیلات زنان نشان داد افراد دارای



تحصیلات پایین‌تر باروری بالاتری دارند. میزان باروری کل کشور در سطح باروری تقریباً دیپلم است

الگوی باروری نیز نشان می‌دهد زنان بی‌سواد و کم‌سواد زودتر وارد دوران بارداری شده و دیرتر از این دوره خارج می‌شوند. در مقابل هرچه زنان از تحصیلات بالاتری برخوردارند دیرتر فرزند می‌آورند. الگوی باروری کشور نیز بین سطح الگوی باروی دیپلم و لیسانس قرار گرفته است.

برخی از پژوهشگران از جمله تورنتون و همکارانش (۱۹۹۴)، بلاسفلد و روور (۱۹۹۵) و ندکا (۱۹۹۸) و نیز ریمو (۲۰۰۳)، مهم‌ترین عامل افزایش سن ازدواج را افزایش سطح تحصیلات دانسته‌اند. همچنین ون دکا (۱۹۸۷) تأثیر بهبود در گسترش میزان تحصیلات زنان به همراه استقلال اقتصادی آنان را مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در تحولات ازدواج معرفی کرده است.

ارزش‌ها و باورهای رایج در ارتباط با تعداد و جنس فرزندان، اندازه ایده‌آل خانواده در جوامع مختلف، متفاوت است بررسی‌ها نشان می‌دهد میانگین اندازه ایده‌آل خانواده، یک یا دو فرزند در کشورهای توسعه‌یافته، دو تا سه فرزند در برخی از کشورهای آسیایی و چهار تا پنج فرزند در برخی دیگر از کشورهای آسیا است اما در بعضی از کشورهای آفریقا هیچ کس کمتر از چهار فرزند نمی‌خواهد. بعضی از مطالعات آفریقایی اندازه‌های ایده‌آل بالای ۹ فرزند را گزارش کرده‌اند. ترجیح فرزند پسر به دلایل اجتماعی- اقتصادی و مذهبی هم می‌تواند از عوامل مؤثر بر افزایش تعداد فرزندان باشد و رفتار باروری را تحت تأثیر قرار دهد.

پژوهشکده آمار در سال ۱۳۹۴ طرحی پژوهشی با عنوان «بررسی نحوه نگرش جوانان در آستانه‌ی ازدواج و زنان همسر دار ۱۵-۴۹ ساله نسبت به فرزندآوری و شناخت عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر آن را در ۳۱ استان کشور اجرا نمود. نتایج این پژوهش نشان داد میانگین تعداد فرزندان دلخواه مردان و زنان جوان در آستانه‌ی ازدواج به ترتیب برابر ۲/۴ و ۲/۲ بوده است به گونه‌ای که بین نظرهای مردان و زنان در مورد تعداد فرزند ۰/۲ تفاوت وجود دارد. میانگین تعداد فرزندان دلخواه جوانان در آستانه‌ی ازدواج ساکن نقاط شهری و روستایی به ترتیب برابر با ۲/۲ و ۲/۵ فرزند بوده است. زنان همسر دار ۱۵-۴۹ ساله ساکن در نقاط شهری به‌طور متوسط طالب ۲/۷ فرزند بوده و زنان ساکن در نقاط روستایی به‌طور متوسط خواهان ۳ فرزند بوده‌اند. ۳۱/۱ درصد جوانان در آستانه‌ی ازدواج و ۴۲/۵ درصد زنان همسر دار اعتقاد دارند اگر بیش از دو فرزند بیاورند، مردم آنها را سرزنش می‌کنند. بین رفتار فرزندآوری جوانان و زنان ۱۵-۴۹ ساله و وضعیت اقتصادی آنها رابطه معکوس وجود دارد به گونه‌ای که افراد دارای پایگاه اقتصادی بالا، متقاضی فرزند کمتری بوده و در عوض افراد با پایگاه اقتصادی پایین متقاضی فرزند بیشتری هستند. بنا بر این افراد دارای پایگاه اقتصادی بالاتر، تمایل کمتری به فرزندآوری دارند. همچنین بین رفتار فرزندآوری جوانان و زنان ۱۵-۴۹ ساله و سن ازدواج آنها رابطه معکوس وجود دارد. به گونه‌ای که در جوانان با افزایش سن ازدواج، تعداد فرزندان دلخواه آنها کمتر می‌شود و میانگین تعداد فرزندان مورد تقاضای زنان ۱۵-۴۹ ساله در بین افرادی که در سنین ۲۵ تا ۳۹ سالگی ازدواج کرده‌اند کمتر از کسانی است که در سنین پایین و یا خیلی بالا ازدواج کرده‌اند.

## وضع اقتصادی و اجتماعی:

در زمینه‌ی باروری و پایگاه اقتصادی که در بسیاری از کشورها میزان باروری در بین طبقات پایین‌تر بیش‌تر از زنان طبقه بالا است. در واقع وجود همبستگی منفی بین باروری از یک طرف و طبقه یا منزلت اجتماعی از طرف دیگر نشان‌دهنده قدرت قانون اجتماعی جمعیتی است. هنگامی که در اواخر قرن نوزدهم میزان مولید شروع به تنزل کرد، رابطه بین باروری و وضع اقتصادی و اجتماعی بیش‌تر نمایان و مشخص شد، تحدید خانواده در میان طبقات بالا و متوسط شهری گسترش یافت ولی در مقابل طبقه کارگر و روستاییان به افزایش وسعت خانواده‌های خود ادامه دادند.

پژوهشگر رانگ معتقد است که این پدیده تقریباً یک قانون اقتصادی و اجتماعی است که افراد طبقه پایین باروری بالاتری دارند. تفاوت بین میزان باروری مناطق شهری و روستایی ایران شاهی بر این مدعاست. در سال ۱۳۹۵، میزان باروری کل در مناطق شهری برابر ۱/۹۵ و در مناطق روستایی برابر فرزند بوده است. میزان باروری مناطق شهری کشور در سطح باروری بالاتر از دیلم است و در نقاط روستایی تقریباً در سطح راهنمایی است. باتوجه به این که نسبت شهرنشینی در سال ۱۳۹۵ برابر ۷۴ درصد بوده است لذا نقاط شهری دارای سهم بیش‌تری بوده و میزان باروری کل کشور به مقدار سطح جانشینی (۲/۱۱ فرزند) رسانده است. این موضوعی است که می‌باید در تدوین فرضیه‌های باروری مورد توجه قرار گیرد.

## عوامل مستقیم بر رشد جمعیت:

عوامل مستقیم بر رشد جمعیت عبارت‌اند از: باروری، مرگ و میر، مهاجرت که در زیر هر یک به‌طور مختصر توضیح داده می‌شود.

### □ باروری

باروری به‌عنوان مهم‌ترین شاخص تأثیرگذار بر رشد جمعیت محسوب می‌شود. باروری به‌عنوان رفتاری اجتماعی در محیط و بستر اجتماعی-فرهنگی خاص پدیدار می‌شود و روابط اجتماعی اعضای جامعه و نیز سیاست‌های حکومتی می‌تواند ارزش‌ها و هنجارهای مرتبط با رفتار باروری را تنظیم کند.

شاخص‌های مختلفی برای مطالعه باروری وجود دارد. میزان باروری کل یکی از گویاترین شاخص‌های باروری است.

میزان باروری کل عبارت است از: شمار فرزندان که یک زن در طول دوران باروری خود با توجه به سن باروری (۱۵ تا ۴۹ سال) بدون به شمار آوردن مرگ و میرهای فرزندان به دنیا می‌آورد. میزان باروری کل در مطالعات جمعیت‌شناسی کاربرد فراوانی دارد از جمله این که در پیش‌بینی‌های جمعیتی و تدوین فرضیه‌های باروری و سیاست‌گذاری‌های جمعیتی به کار می‌رود. کاهش مستمر باروری موجب کاهش تعداد مولید و در نتیجه کاهش تعداد جمعیت در گروه‌های سنی پایین می‌شود.

تغییرات شاخص میزان باروری کل بر حسب دوره‌های پنج‌ساله از ۱۳۷۶-۱۳۹۵ را نشان می‌دهد. همان‌گونه که داده‌ها نشان می‌دهد روند باروری کل تا سال ۱۳۹۰ از روندی کاهشی برخوردار بوده و در سال ۱۳۹۵ به‌طور مقطعی افزایش یافته است.

## □ مرگ و میر

مرگ و میر یکی دیگر از عوامل مستقیم در میزان رشد جمعیت است که با ثبات یا تغییر آن در جریان زمان سبب تغییر در حجم، توزیع یا ترکیب جمعیت می‌شود. در واقع جوانی جمعیت کشورهای توسعه‌نیافته و برخی کشورهای در حال توسعه در اثر پایین آمدن سطح مرگ و میر و ثابت ماندن نسبی یا تأخیر طولانی در کاهش سطح باروری پیش آمده است. یا برعکس سالخوردگی جمعیت برخی کشورهای توسعه‌یافته به علت کاهش سطح مرگ و میر و کاهش سطح باروری آن‌ها است. البته باید در نظر داشت که ساختار سنی نیز بر میزان باروری و مرگ و میر تأثیر می‌گذارد. به‌طوری که ساختار سنی جوان باعث باروری بیش‌تر و باروری بیش‌تر، باعث جوان‌تر شدن ساختار سنی جمعیت در سال‌های بعد می‌شود.

از مهم‌ترین شاخص‌های مرگ و میر، امید زندگی در بدو تولد است. معمولاً این شاخص را برای نسلی از زنان یا مردان یک جامعه (به صورت جداگانه) محاسبه می‌کنند زیرا مرگ و میر هر جنس تحت تأثیر عوامل متفاوتی قرار دارد. یکی از ویژگی‌های برجسته جمعیتی در قرن بیستم کاهش میزان مرگ و میر بوده است که این کاهش اگرچه با میزان‌های مختلف اما در تمام کشورها ادامه دارد و معمولاً در پیش‌بینی‌ها این فرض استفاده می‌شود که کاهش مرگ و میر با شدت بیشتری ادامه خواهد یافت.

## □ مهاجرت

مهاجرت به‌طور عام عبارت است از تغییر اقامت فرد از یک نقطه به نقطه دیگر است.

« در دانش‌نامه جمعیت‌شناسی در تعریف مهاجرت آمده است «مهاجرت، تغییر مکان افراد، یا گروه‌هایی از افراد، که با تغییر دائمی یا نیمه دائمی محل سکونت خود همراه است. تعریف دقیق جابه‌جایی‌های مهاجرتی، بر حسب تحلیل مورد نظر، تغییر می‌کند. اما به هر حال، به‌طور طبیعی سه بعد مختلف مورد توجه قرار می‌گیرد. اولین بعد، دائمی بودن جابه‌جایی است: سفرهای سیاحتی (بدون توجه به مسافت آن‌ها)، مسافرت‌های روزانه به محل کار و بالعکس و جابه‌جایی‌های افراد غیر ساکن و کوچنده، هر چند که ممکن است تحت عنوان رفت و برگشت طبقه‌بندی شوند، مهاجرت به شمار نمی‌آیند، بعد دوم موضوع فاصله یا به‌طور دقیق‌تر، عبور از مرزهای تقسیمات سرزمینی است. سطح فضایی مطالعه مورد نظر هر چه که باشد، همواره یک ناحیه تعریف شده مهاجرت به‌عنوان مأخذ مورد استفاده قرار می‌گیرد. بعد سوم، در نظر گرفتن یک دوره زمانی، که مهاجرت‌ها در آن صورت پذیرفته باشند، نیز ضروری است که در واقع، که به صراحت یا به‌طور تلویحی، منجر به مفهوم دوره زمانی مهاجرت خواهد شد.

بین مهاجرت‌های داخلی و بین‌المللی تفاوت زیادی وجود دارد و البته مهاجرت‌های داخلی پدیده رایج‌تری است. برای نشان دادن ماهیت مهاجرت، پسوند یا پیشوندهای بسیاری به کار گرفته شده است.

مهاجرت جمعیت ابعاد مختلفی دارد از جمله آن که مهاجرت ممکن است در داخل یک کشور یا کشورهای مختلف باشد. چنانچه جابه‌جایی جمعیت داخل مرزهای سیاسی یک کشور انجام شود آن را مهاجرت داخلی می‌نامند و اگر مبدأ و مقصد مهاجرت دو کشور مختلف باشد مهاجرت بین‌المللی خوانده می‌شود.

در بسیاری از کشورها خالص مهاجرت اهمیت چندانی نداشته و غالباً در پیش‌بینی‌های جمعیتی نادیده فرض می‌شوند اما در مناطقی که این موضوع صادق نباشد، بایستی برای مهاجرت نیز اعتبار قایل شد. جدا از اثرات بر کل جمعیت، مهاجرت اثر فراوانی بر توزیع سنی و جنسی جوامع دارد، این مسئله به دلیل اختلاف در ساختمان سنی و جنسی مهاجران است، همچنین ممکن است مهاجرین خصوصیات مختلفی از نظر باروری و مرگ و میر داشته باشند که این نیز خود می‌تواند بر تعداد جمعیت اثر بگذارد. تفاوتی که مهاجرت با دو عنصر دیگر رشد مطلق جمعیت دارد، اثر آن بر دو جامعه مبدأ و مقصد است. مهاجرت از یک جامعه موجب کاهش رشد مطلق آن و ورود آن‌ها به جامعه دیگر موجب افزایش رشد جامعه مهاجرپذیر می‌شود.

طبق تئوری انتقال جمعیتی، کاهش میزان‌های موالید و مرگ و میر و در نتیجه کاهش رشد جمعیت، در ترکیب سنی جمعیت مؤثر بوده و منجر به افزایش جمعیت سالمندان می‌شود. از عوامل نامرئی دیگر در این زمینه، نقش نسبت جنسی است. تعداد زنان به‌ویژه زنان واقع در سن باروری عامل اصلی زاد و ولد در جامعه است، بنا بر این تغییرات نسبت جنسی در جمعیت، از عوامل مؤثر در تغییر سطح باروری و میزان‌های رشد محسوب می‌شود.

مبحث دیگری که نقش بسزایی در زیرساخت سازی جمعیت دارد موضوع قانون حمایت از خانواده و جوانی می‌باشد که بر اساس اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی، در یک کمیسیون مشترک بررسی شد و پس از موافقت مجلس با اجرای آزمایشی آن به مدت ۷ سال، در دهم آبان ۱۴۰۰ به تأیید شورای نگهبان رسید. بر اساس ماده نخستین قانون ستاد ملی جمعیت به ریاست رئیس جمهور تشکیل می‌شود که در مجموع ۲۴ عضو دارد که در نوشتار قبلی توضیحاتی در این باب داده شده است.



## قانون حمایت از خانواده:

قانون حمایت از خانواده و جمعیت طرح حمایت از خانواده و جوانی جمعیت براساس اصل ۸۵ قانون اساسی، ابتدا در یک کمیسیون مشترک مورد بررسی قرار گرفت و سپس مجلس شورای اسلامی ایران با اجرای آزمایشی آن به مدت ۷ سال موافقت کرد. این طرح در ۱۰ آبان ماه سال ۱۴۰۰ توسط شورای نگهبان تایید و به شکل قانون درآمد. در کشور ایران، سالخوردگی جمعیت در طولانی مدت، آثاری در بخش‌های مختلف جامعه از خود برجای گذاشته است که طرح حمایت از خانواده و جوانی جمعیت با هدف جبران بخشی از این آثار، به اجرا درآمد. متن این قانون بسیار طولانی بوده و از ۷۳ ماده و چندین تبصره تشکیل شده است که ذکر تمام این موارد در حوصله‌ی این مقاله نمیگنجد؛ اما در ادامه ما به اختصار به برخی سرفصل‌ها و مواد این قانون جهت آشنایی کلی شما عزیزان اشاره خواهیم کرد.

قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت چیست؟

هدف اصلی قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، حمایت از بنیاد خانواده و پیشگیری از پیری جمعیت ایران است. در این قانون موضوعات مختلفی مورد بحث قرار گرفته‌اند که برخی از آن‌ها شامل موارد زیر است:

ارائه تسهیلات به دانشجویان متاهل؛

حمایت از مادران دانشجو و طلبه؛

حمایت‌های دوران بارداری و شیردهی مادران؛

ارائه تسهیلات برای تولد هر فرزند به‌ویژه فرزند دوم به بعد؛

حمایت از جوانان در آستانه ازدواج یا زوج‌های جوان؛

حمایت از خانواده‌های دارای فرزند؛

تسهیلات مسکن، مشوق‌های اقتصادی، تسهیلات شغلی، خدمات اجتماعی، تسهیلات آموزشی، حمایت از گروه‌های مردمی و ... .

حمایت و ارائه تسهیلات ویژه از جمله پرداخت مبلغ ۱ میلیون تومان برای سرمایه‌گذاری در بورس به نام فرزندان متولد ۱۴۰۰ به بعد، برای تشویق خانواده‌ها به فرزندآوری.

ارائه تسهیلات جهت فرهنگ‌سازی و بهبود کیفیت زایمان طبیعی مادران؛

فرهنگ‌سازی در رابطه با موضوع غربالگری و سقط جنین؛

ارائه تسهیلات مرخصی زایمان؛

و ... .

وظایف ستاد ملی جمعیت :

مطابق ماده ۱ قانون حمایت از جوانی و جمعیت، وظایف ستاد ملی جمعیت شامل موارد زیر می‌باشند:

تهیه برنامه عمل متناظر این قانون با تقسیم کار ملی؛

تعیین نقش و ایجاد هماهنگی و هم‌افزایی بین وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، نهادها و مجموعه‌های مرتبط با موضوع جوانی جمعیت و خانواده و نظارت بر نقش‌های تعیین شده؛

پیشنهاد اعتبار دستگاه‌های مرتبط با این قانون در بودجه سنواتی به سازمان برنامه و بودجه کشور؛

دریافت گزارش سالانه عملکرد و ارزیابی فعالیت‌های صورت گرفته در ارتباط با بودجه‌های اختصاص یافته در موضوع جمعیت و فرزندآوری؛

تدوین و ابلاغ دستورالعمل ارزیابی عملکرد دستگاه‌ها نسبت به اجرای این قانون؛

نظارت بر طرح‌ها، برنامه‌ها و عملکرد ناظر بر اعتبارات مرتبط با این قانون؛

تدوین شاخص‌های ارزیابی و سنجش اقدامات اثربخش بر رشد ازدواج و فرزندآوری به تفکیک بخش‌های خانواده، رسانه، سازمان‌های مردم‌نهاد، دستگاه‌های اجرایی، شرکت‌ها و مؤسسات خصوصی، مدیران، نخبگان؛

دریافت گزارش نهادهای ذی‌ربط مبنی بر اثربخشی اقدامات آن‌ها بر رشد ازدواج و فرزندآوری در جامعه مخاطب؛

اهدای سالانه «جایزه ملی جوانی جمعیت»؛

پایش زمانی و مکانی مستمر تغییرات جمعیتی در سطح ملی، استانی و شهرستانی با مشارکت مرکز آمار ایران؛

پایش جامع وضعیت سقط جنین در کشور بر اساس جمع‌بندی گزارش‌های دستگاه‌های ذی‌ربط و پژوهش‌های مرتبط؛

ارائه گزارش عملکرد شش ماهه ستاد و دستگاه‌های مرتبط در رابطه با رشد ازدواج و فرزندآوری به شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجلس شورای اسلامی.

نقش یارانه نقدی در قانون حمایت از خانواده:

ماده مختص به موضوع یارانه نقدی در قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت

در ماده ۱۳ این قانون، که مربوط به وظیفه سازمان هدفمندی یارانه‌ها می‌باشد این چنین بیان شده:

سازمان هدفمندی یارانه -ها مکلف است از محل درآمدهای ناشی از حذف یارانه سه دهک بالای درآمدی نسبت به افزایش یارانه فرزندان خانواده- های دهک -های اول تا چهارم دارای حداقل سه فرزند تحت تکفل که هیچکدام از والدین در دستگاه های مذکور در ماده (۲۹) قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران شاغل نباشند به میزان سه برابر یارانه مصوب سایرین پرداخت نماید.

تسهیلات برای دانشجویان و طلاب متاهل فاقد مسکن در قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت

مطابق ماده ۸ این قانون، صندوق- های رفاه دانشجویی و مراکز مدیریت حوزه- های علمیه مکلفند پس از لازم-الاجراء شدن این قانون، برای دانشجویان و طلاب متاهل فاقد مسکن نسبت به پرداخت ودیعه مسکن (قرض- الحسنه ضمن اجاره)، مشروط به ارائه اجاره نامه دارای شناسه رهگیری از مشاوران املاک به نحوی اقدام نماید که هر ساله حداقل پنجاه درصد (۵۰٪) متوسط قیمت ودیعه اجاره مسکن (۷۰) متری در شهرهای بیش از پانصد هزار نفر جمعیت و مسکن (۱۰۰) متری در سایر شهرهای محل تحصیل پوشش داده شود.

امکان زایمان طبیعی رایگان در بیمارستان‌ها و زایشگاه‌های دولتی مطابق قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت

مطابق ماده ۴۹ این قانون، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مکلف است امکان زایمان طبیعی در بیمارستان‌ها و زایشگاه های دولتی را به گونه- ای فراهم نماید که برای افراد تحت پوشش بیمه و مراجعین فاقد پوشش بیمه ای به صورت کاملاً رایگان انجام و متناسب با آمایش سرزمینی، ظرف حداکثر دوسال پس از ابلاغ این قانون، با توجه به استانداردهای سطح بندی ارائه خدمات، ترتیبی اتخاذ نماید که کلیه زنان باردار حداکثر طی مدت یک ساعت با وسیله نقلیه معمول به خدمات زایشگاهی ایمن

و استاندارد دسترسی داشته باشند. تبصره - وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مکلف است نسبت به ارتقاء مهارت مامایی کشور و افزایش تعداد ماماهاى فعال در بیمارستان- ها و زایشگاه ها به طرق مختلف از جمله تعهد خدمت به گونه-ای اقدام نماید که ظرف دو سال پس از لازم- الاجراء شدن این قانون به ازای هر دو مادر در حال زایمان یک ماما در کل مدت فرآیند زایمان طبیعى حاضر باشد.

حمایت از مادران باردار شاغل در قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت:

ماده ۱۷- احکام ذیل نسبت به همه مستخدمین و کارکنان در کلیه بخش های دولتی و غیردولتی لازم الاجراء می- باشد:

الف - مدت مرخصی زایمان با پرداخت تمام حقوق و فوق- العاده -های مرتبط به نه ماه تمام افزایش یابد. در صورت درخواست ما در تا دوماه از این مرخصی در ماه- های پایانی بارداری قابل استفاده است. مرخصی مزبور برای تولد دو قلو و بیشتر، دوازده ماه می- باشد. در مواردی که مرخصی زایمان موجب اخلاف در کار بخش خصوصى گردد، پس از تأیید وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعى هزینه تحمیل شده توسط دولت جبران خواهد شد.

ب - نوبت کارى شب برای مادران شاغل باردار و هم چنین مادران دارای فرزند شیرخوار تا دوسال و پدران تا یک ماهگی نوزاد، در مشاغل و فعالیت هایی که نیازمند نوبت کارى شب می باشند، اختیاری است. شمول این بند شامل بخش خصوصى مشمول قانون کار نمی- شود.

پ - اعطای دورکاری به درخواست مادران باردار، حداقل به مدت چهارماه در دوران بارداری در مشاغلی که امکان دورکاری در آنها فراهم است، الزامی است.

ت - مادران شاغلی که از زمان لازم- الاجراء شدن این قانون فرزند یا فرزندانی به دنیا خواهند آورد به ازای هر فرزند، می-توانند از یک سال کاهش در سن بازنشستگی برخوردار شوند و برای فرزند سوم و بیشتر میزان کاهش یک و نیمسال به ازای هر فرزند خواهد بود. حداقل سن بازنشستگی مشمولین این بند، برای مادران دارای یک فرزند چهل و دو سال، دارای دو فرزند چهل و یک-سال و دارای سه فرزند و بیشتر چهل سال و حداقل با بیست سال سابقه بیمه است. برقراری مستمری یا حقوق بازنشستگی متناسب با سنوات پرداخت حق بیمه در زمان اشتغال می-باشد.

افزایش جمعیت هر کشور با هدف دستیابی به توسعه پایدار، حتماً متعالی است. مطلوب هر دولتی است که با تکیه به نیروی کار مولد و سالم و امیدوار به آینده، به مرز توسعه پایدار برسد. اما افزایش جمعیت مستلزم زیرساخت هایی است که باید پیش از هر گونه قانون نویسی ایجاد شده باشد وگرنه اجبار جمعیت در سن باروری به فرزندآوری با مشوق های کوتاه مدت و نمایشی در کشوری که تمهیدات منجر به رفاه اجتماعي، فراهم نشده یا هر آنچه هست، معیوب و منسوخ است، در بلندمدت، بار سنگین و پر عاقبتی



است که تحمل آن، در توان هیچ دولتی نخواهد بود و نتیجه‌ای جز افزایش فقر مطلق و سقوط شاخص‌های توسعه و اقتصاد ندارد. شرایط سیاسی و اقتصادی ایران طی دهه گذشته، حکایت از آن دارد که به دلیل تصمیمات غلط اقتصادی، تحمیل و تشدید تحریم‌های جهانی بر کشور و ملت، توسعه شبکه فساد اداری و دلالی و رانت‌خواری، سوءمدیریت‌های ناشی از نادیده گرفتن شایسته‌سالاری به جای اولویت‌بخشی به ضوابط علمی انتخاب و انتصاب، تحمیل منطق صفر و صد سیاسی و نادیده گرفتن حقوق قانونی و شهروندی مردم ایران، شاخص‌های توسعه پایدار در کشور، نه تنها ارتقا و بهبود نداشته بلکه هر آنچه بوده و در برهه‌ای کوتاه، به رشد امید و رفاه منجر شده، به دلیل بی‌تدبیری دولت‌ها، دچار سقوط آزاد شده آن هم با شدت و سرعتی که بازایی از دست رفته‌ها، حتی به شرط تامین تمام الزامات منجر به رفاه اجتماعی، در کوتاه‌مدت به هیچ‌وجه ممکن نخواهد بود.

مصادق نتایج اسفبار اقتصادی و اجتماعی محصول سوءمدیریت دولت‌ها و فروپاشی زیرساخت‌ها منجر به رفاه و توسعه پایدار که اولین نمود آن را می‌توان در سفره خانوار شاهد بود، گزارش‌های مرکز آمار ایران به عنوان یک نهاد رسمی و مورد وثوق دولت و قوای سه‌گانه است. بنا به آخرین گزارش مرکز آمار ایران، طبق نتایج آخرین طرح آمارگیری هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی که در سال ۱۳۹۹ انجام شده، متوسط کل هزینه خالص سالانه یک خانوار شهری در این سال با افزایش ۳۱ درصدی نسبت به سال پیش از آن (۱۳۹۸) ۶۲۱۳۹۲ هزار ریال (۶۲ میلیون و ۱۳۹ هزار و ۲۰۰ تومان) و متوسط کل هزینه خالص سالانه یک خانوار روستایی با افزایش ۳۰/۵ درصدی نسبت به سال قبل از آن (سال ۱۳۹۸) ۳۴۰۶۷۹ هزار ریال (۳۴ میلیون و ۶۷ هزار و ۹۰۰ تومان) بوده در حالی که در سال ۱۳۹۹، متوسط درآمد سالانه یک خانوار شهری با افزایش ۳۸ درصدی نسبت به سال قبل از آن ۷۴۶۷۶۴ هزار ریال (۷۴ میلیون و ۶۷۶ هزار و ۴۰۰ تومان) و متوسط درآمد سالانه یک خانوار روستایی با افزایش ۴۱/۶ درصدی نسبت به سال قبل از آن ۴۲۰۴۷۰ هزار ریال (۴۲ میلیون و ۴۷ هزار تومان) بوده است. انتظار طبیعی این است که افزایش درآمد یک خانواده، به رفاه بیشتر منجر شود و قطعاً در بسیاری از کشورهای دنیا، چنین است اما در ایران چنین نتیجه‌ای حاصل نمی‌شود چون همزمان با افزایش درآمد خانواده که معمولاً حاصل کار دو یا سه نوبته سرپرست و اعضای بزرگسال خانوار است، هزینه زندگی در شهرها و روستاها هم به دنبال افزایش نرخ تورم، رشد تصاعدي دارد چنانکه طبق گزارش مرکز آمار، اجاره‌بهای واحدهای مسکونی در مناطق شهری در سه ماهه زمستان ۱۴۰۰ نسبت به پاییز سال گذشته، ۶/۴ درصد اما نسبت به سه ماهه زمستان ۱۳۹۹، افزایش ۲۸/۱ درصدی داشته است.

طبق گزارش دیگری که در وبسایت مرکز آمار ایران قابل دسترسی است، شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی برای کل کشور در سال ۱۴۰۰، نسبت به سال قبل ۴۰/۲ درصد افزایش داشته و در حالی که به‌طور معمول طی دو سال گذشته، حدود ۴۰ درصد از درآمد خانوار، برای کالاهای خوراکی صرف شده، طبق گزارش مرکز آمار ایران، در سال ۱۴۰۰، نرخ تورم در گروه کالاهای خوراکی نسبت به سال پیش از آن، ۵۱/۵ درصد و برای گروه کالاهای غیرخوراکی و خدمات (نیازهای جاری زندگی - پوشاک، آموزش، بهداشت و درمان، اوقات فراغت، حمل و نقل، اجاره‌بهای مسکن) نسبت به سال پیش از آن (۱۳۹۹) ۳۴/۶ درصد افزایش یافته است.

ارقام دیگری هم در گزارش‌های سالانه مرکز آمار ایران تایید می‌کند که طی سال‌های ۱۳۹۶ تا پایان ۱۴۰۰، هزینه زندگی و به‌طور خاص، هزینه گذران روزمره در ایران برای خانواده و شهروند ایرانی - متاهل یا مجرد - گران‌تر شده به گونه‌ای که طی این بازه زمانی، شهروندان ناچار شده‌اند بسیاری

از علاقه‌ها و نیازهای غیرضروری زندگی را بابت تامین نیازهای ضروری - غذا، مسکن، پوشاک، سلامت و حمل و نقل - از سبد هزینه‌های زندگی حذف کنند.

شهروندانی که با روزانه کمتر از يك دلار زندگی می‌کنند

در وبسایت مرکز آمار ایران، گزارش‌های دیگری هم می‌توان پیدا کرد که تایید روشنی برای منسوخ شدن ضرب‌المثل «هر آن که دندان دهد، نان دهد» است. طی سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۹، تعداد جمعیتی که با درآمد کمتر از دو دلار در روز زندگی می‌کنند، از ۰/۲۷ درصد به ۰/۷۹ درصد و تعداد جمعیتی که با درآمد کمتر از يك دلار در روز زندگی می‌کنند از ۰/۰۱ درصد به ۰/۰۶ درصد افزایش یافته است. طبیعی است که در همین بازه زمانی، شاهد کاهش موالید هم باشیم چنانکه سال ۱۳۹۶ تعداد تولدهای زنده در کشور ۱۴۸۷۹۱۳ نفر بوده که در پایان سال ۱۳۹۹ با کاهش ۲۵/۱ درصدی به ۱۱۱۴۱۲۸ تولد زنده رسیده در حالی که با نگاهی به همین بازه زمانی (۱۳۹۶ تا ۱۳۹۹) می‌بینیم که در سال ۱۳۹۶، ۶۰۸۸۶۷ فقره ازدواج و ۱۷۹۷۰۹ فقره طلاق در کشور ثبت شده که طبق گزارش رسمی مرکز آمار ایران، در سال ۱۳۹۹ تعداد ازدواج ثبت شده با کاهش ۸/۵ درصدی به ۵۵۶۷۳۱ فقره و تعداد طلاق‌های ثبت شده با افزایش ۲ درصدی به ۱۸۳۱۹۳ فقره رسیده است. طبق مصوبه سال ۱۳۸۸ هیأت وزیران، بیش از ۲۸۰ دهستان در کشور، ضریب محرومیت ۸ و ۹ داشتند که این ضرایب به دلیل کمبود یا صفر بودن زیرساخت‌های رفاهی - جاده، آب شرب بهداشتی، برق، گاز، مدرسه، خانه استاندارد، سرویس بهداشتی، دسترسی به مرکز درمانی یا خانه بهداشت - به این مناطق تعلق گرفت در حالی که بسیاری از مسوولان محلی در همان زمان معترف بودند این ضرایب، اعداد حداکثری است که به دلیل برهم خوردن امنیت ملی، منظور شده در حالی که ضریب محرومیت این دهستان‌ها، حتی بالای ۱۰ است. در سال ۱۳۸۸، تعداد کل دهستان‌های کشور ۲۲۷۳ واحد بود و خرداد ۱۳۹۸، معاون اول رئیس‌جمهوری تایید کرد که مصوبه سال ۱۳۸۸ هیأت وزیران درباره ضرایب محرومیت به قوت و اعتبار خود باقی است به این معنا که در سال ۱۳۹۸ هم ۱۲/۳ درصد از دهستان‌های کشور، به دلیل کمبود یا صفر بودن زیرساخت‌های رفاهی - جاده، آب شرب بهداشتی، برق، گاز، مدرسه، خانه استاندارد، سرویس بهداشتی، دسترسی به مرکز درمانی یا خانه بهداشت - ضریب محرومیت ۸ یا ۹ داشتند. طبق تعریف تقسیمات کشوری ایران، دهستان شامل چند روستای همجوار است.

توسعه فقر، یکی از عوامل کاهش سرمایه اجتماعی هر کشور است. طبق اعلام تقي رستم‌وندي؛ رئیس سازمان امور اجتماعی وزارت کشور، حدود ۱۹ میلیون نفر از جمعیت کشور به دلیل مهاجرت به حاشیه شهرها یا ناتوانی از تقبل هزینه زندگی در بافت استاندارد شهری، در ۱۴۱ هزار هکتار منطقه حاشیه‌ای و بافت فرسوده کشور سکونت دارند که این جمعیت، به‌طور مشخص، در زمره فقرای کشور و محروم از دسترسی به رفاه اجتماعی و زیرساخت‌های متناسب با حقوق شهروندی هستند.

در نتیجه طبق مباحث گفته شده مسئله زیر ساختی جمعیتی در تمام دوران کشور قابل مطرح بوده و مشکلاتی داشته که با مدیریت و برنامه‌ریزی‌ها قابل حل می‌باشد و طرح‌هایی همچون حمایت از خانواده را باید بیشتر کرده و در صدد اجرای صحیح آن قدم‌های محکی بردارند.

## روند جمعیت ایران: ۹۵-۱۳۳۵

